

یادداشت



دکتر ابراهیم طاهری
استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل
دانشگاه یزد



افول هژمونی آمریکا و سناریوهای مربوط به آینده نظم جهانی

امروز جلوه‌های نظم آمریکایی یا هژمونی آمریکایی در حال از بین رفتن است، اما آنچه اهمیت دارد، آینده نظم جهانی در دوره بعد از هژمونی آمریکا است. به نظر می‌رسد می‌توان سناریوهای چندی را در این رابطه ترسیم کرد که در ادامه یادداشت به آنها پرداخته خواهد شد.



EXIT FROM HEGEMONY

شد. در این راستا، آمریکا تلاش کرد نظم تک‌قطبی مدنظر خویش را در قالب انگاره نظم نوین جهانی بر دیگران تحمیل کند. البته زمزمه‌های مخالفت با نظم تک‌قطبی آمریکایی از همان زمان به گوش می‌رسید و جمهوری اسلامی ایران با ایدئولوژی انقلابی خود، تلاش می‌کرد تا برتری امریکارابه‌چالش بکشد. ماراتن آغاز شده بود و ایران، قصد نداشت نظم آمریکایی را بپذیرد، زیرا خود را در قامت رهبر و مدیر تمدن نوین اسلامی تصور می‌کرد. نبرد تمدنی آغاز شد و ایران، تلاش کرد خود آگاهی راه‌تمدن‌های دیگر به‌ویژه تمدن شرقی از جمله مدل‌های هندی و چینی بازگرداند. ایران در هدف خود، مصمم گام برمی‌داشت و تلاش می‌کرد با دیگر کشورها در برابر هژمونی آمریکایی، دست به مقاومت بزند. ایالات متحده آمریکا که از ماراتن به وجود آمده خسته شده بود، در اندیشه آن بود که تکلیف را به یک‌باره روشن کند و از طریق نبردی رودررو، رقیب را از میدان به در کند. در این راستا، این کشور تلاش کرد با قرار دادن ایران در کنار عراق و کره شمالی به عنوان محور شرارت، زمینه‌های حذف رقیب را کلید بزند. قرار بر این بود که ابتدا، تکلیف عراق یکسره شود و سپس به سراغ ایران و کره شمالی بروند. ایران با بازخوانی درست، امریکارا در زمین عراق، زمین‌گیر کرد. تهدید عراق برای ایران در دوران صدام حسین توسط دشمن راهبردی ایران یعنی ایالات متحده آمریکا، به فرصتی بی‌نظیر تبدیل شده بود و ایران، موفق شد به یکی از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین کشورها در عراق بعد از صدام تبدیل شود. این مسئله، حکایت از افول هژمونی امریکادر عرصه جهانی داشت؛ امریکا که در عراق زمین‌گیر شده بود، نمی‌توانست به آرمان‌های بلندپروازانه خود جامه عمل بپوشاند، اما آنچه وضعیت را از این



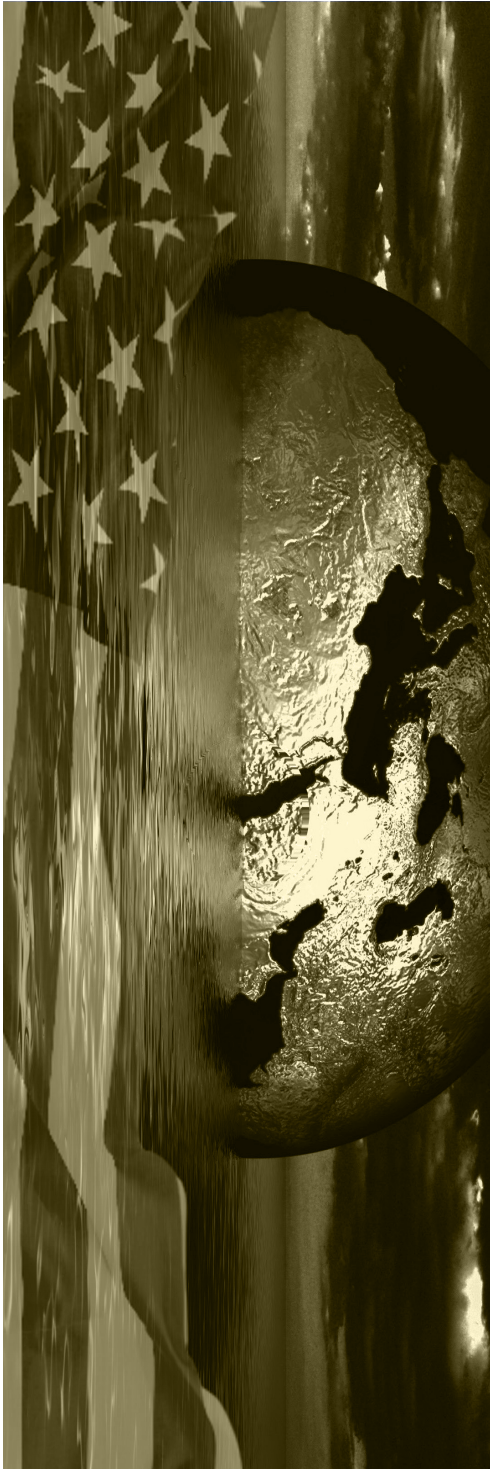
هژمونی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، یک قدرت قادر است سلطه خود را بر دیگر کنشگران به‌ویژه قدرت‌های بزرگ تحمیل کند. این وضعیت در تاریخ نظام بین‌الملل، به ندرت رخ داده است. با وجود این، بسیاری از هژمونی انگلستان در قرن ۱۹ و ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه بعد از ۱۹۷۰ میلادی سخن می‌گویند اما به اعتقاد بسیاری بعد از فروپاشی شوروی در دهه ۹۰ میلادی، آمریکا به قدرت بلامنازع در نظام بین‌الملل تبدیل

ایران از طریق محور مقاومت تلاش می‌کند تا نظم آمریکایی را به چالش بکشاند و در شرق آسیا نیز به نظر چین، به چالشی جدی علیه برتری طلبی‌های آمریکا تبدیل شده است. این سناریو، محتمل‌ترین سناریوی است که در حال رخ دادن است و به نظر نقش هند در این راستا، بسیار حائز اهمیت است. تلاش ایران و روسیه برای نزدیک کردن هند به خویش، باعث می‌شود که گرانش نظام بین‌الملل به سمت شرق، متمایل شود و از وزن غرب کاسته شود.

سناریوی دوم: شکل‌گیری نظامی چندقطبی با محورهای ژئواستراتژیک و مناطق ژئوپلیتیک: سناریوی دیگر و مهم در این راستا، شکل‌گیری نظامی چندقطبی است که البته می‌توان نشانه‌های این مدل از نظم را نیز مشاهده کرد. در این راستا، می‌توان انتظار چند قلمروی ژئواستراتژیک و چندین منطقه ژئوپلیتیک را داشت. مهم‌ترین ویژگی قلمروی ژئواستراتژیک، درگیری قدرت‌های بزرگ درون آن است. در حال حاضر این قلمروی ژئواستراتژیک درون اتحادیه اروپا است که با حمله روسیه به اوکراین، به محل رقابت میان این قدرت بزرگ و دیگر قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا، انگلستان و حتی فرانسه، تبدیل شده است. از جمله مناطق مهم ژئوپلیتیک، خاورمیانه است که به محل رقابت میان ایران، عربستان و تا حدودی ترکیه، تبدیل شده است. در این منطقه ژئوپلیتیک، تلاش‌ها به سمت سوئی است که گویی آمریکا و متحدانش به هر شیوه‌ای متوسل می‌شوند تا از میزان و وزن ژئوپلیتیک ایران کم کنند. البته قرارگیری ایران در کنار قفقاز جنوبی، باعث شده است که ترکیه نیز در کنار محور غربی تلاش نماید ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران را به حداقل برساند.

بدتر می‌کرد، بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی بود که نظام سرمایه‌داری را به شدت تحت تأثیر قرارداد. قرائن و شواهد حکایت از آن داشت که آمریکا، دیگر نمی‌تواند از طریق ژست‌های اعتباری، نظم بین‌الملل را به‌ویژه در بخش مالی به کنترل خویش درآورد. آمریکایی که از افول خویش نگران بود، رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست را سرکار آورد تا از این طریق، چهره بین‌المللی خویش را ترمیم کند اما قدرت‌گیری شرق به‌ویژه با محوریت چین، بیداری روسیه و اصرار ایران بر آرمان جهان چندقطبی، همه حکایت از افول هژمونی آمریکا داشت. در این شرایط است که می‌توان گفت امروز جلوه‌های این نظم در حال از بین رفتن است، اما آنچه اهمیت دارد، سناریوهای احتمالی مربوط به آینده نظم جهانی در دوره بعد از هژمونی آمریکا است. به نظر می‌رسد که می‌توان سناریوهای چندی را در این رابطه ترسیم کرد که این سناریوها، عبارت‌اند از:

- سناریوی اول: شکل‌گیری موازنه ضدآمریکایی: به نظر می‌رسد در حال حاضر، محتمل‌ترین سناریوی که می‌توان ترسیم کرد از نوع موازنه ضد هژمونی است. می‌توان گفت که ایران، موفق شده است با همراهی روسیه و تمایل چین، نظامی را در برابر هژمونی غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا ایجاد کند. در قالب این مدل از نظم، اوراسیا به محل رقابت میان قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای میان آمریکا و متحدانش در برابر چین، ایران و روسیه، بدل خواهد شد. در این چهارچوب، تقسیم‌کاری نظامی و مقاومتی میان روسیه، ایران و چین، صورت گرفته است. در اروپا، روسیه در برابر زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده آمریکا و تمدن غربی، مقاومت خواهد کرد، همان‌گونه که در قالب جنگ اوکراین، اراده خود را به نمایش گذاشت. در خاورمیانه،



تلاش جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه در این راستا، قابل توجه است. قرار دادن انصافها در ذیل گروه‌های تروریستی توسط قطعنامه شورای امنیت، می‌تواند حکایتی از اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه باشد. با وجود این، چین نیز تلاش می‌کند نقش خاص خود را در این بازی ایفا کند که البته با رویکرد ژئواکونومیک این کشور هماهنگی دارد. این کشور تلاش می‌کند تا به متحدان آمریکا تبدیل شود و هند و روسیه نیز با همراهی ایران در تلاش‌اند تا کریدور شمال-جنوب را به شکلی معکوس عملیاتی کنند، به گونه‌ای که به راحتی کالاهایی از این روسیه با مقصد شرق آسیا از مسیر ایران و هندوستان، انتقال داده شود.

سناریوی سوم شکل‌گیری نظم از نوع کنسرتی قرن ۱۹:
اگرچه این سناریو کم‌ترین احتمال را نسبت به دیگر سناریوها دارد، اما نمی‌توان از اهمیت آن در این رابطه غافل شد. در قالب این سناریو، توافقی میان قدرت‌های بزرگ و میانی در ارتباط با حوزه‌های نفوذ، صورت خواهد پذیرفت. امریکادر این چهارچوب، دیگر هژمون نظام بین‌الملل نخواهد بود و ناچار است نقشی برابر را برای چین در این رابطه قائل باشد. البته در این راستا، احتمالاً توافقی حداقلی میان قدرت‌های بزرگ و میانی در ارتباط با امور جهانی و مناطق تحت نفوذ، صورت خواهد پذیرفت. شکل‌گیری این مدل از نظم به میزان زیادی تحت تأثیر توافق با روسیه در ارتباط با جنگ اوکراین و حل و فصل مسأله‌های امنیتی است. در این صورت، می‌توان انتظار داشت توافقی حداقلی شکل گیرد که نویددهنده نظم از نوع کنسرتی قرن نوزدهمی خواهد بود.